

# هویت چیست؟

## من کیستم؟



دکتر علیرضا آرمندیان

بنیان‌گذار تکنولوژی فکر

که می‌داند که نمی‌داند، با آن کس که نمی‌داند که نمی‌داند، هرگز برابر نیست؛ چرا که آگاهی از نادانی، مقدمه‌ای بر دانایی است؛ همان‌طور که آگاهی از اسارت، لازمه‌ی رسیدن به رهایی است.

آنچه برای مقدس است، آن که به نامش سوگند می‌خورند، آنان که به وجودشان افتخار می‌کنند، آن ستاره‌های درخشانی که در آسمان زندگی‌ات نورافشانی می‌کنند، آن افتخارهایی که در کارنامه‌ی عمرت می‌درخشند، همه، هویت تو را نشان می‌دهند. از نخستین روزی که پا به عرصه‌ی هستی گذاشتی، هر اتفاقی که در زندگی‌ات افتاد، هر کسی را که دیدی و روی تو تأثیر گذاشت، هر حرفی را که شنیدی و پیامی برای تو داشت، هر جا پا گذاشتی که تو را به خود فراخواند و در دلت شگفتی آفرید، هر تصویری که دیدی و تو را به فکر واداشت، هر رنجی که کشیدی و چشمت را بر حقیقت‌ها گشود و هر لذتی که بردی و روح‌ت در آسمان عشق و سعادت اوج گرفت و افق‌های جدیدی در برابرت گشود، همه و همه در ساختن هویت تو دخیل بوده‌اند.

هویت هر انسان، به‌عنوان شکل‌دهنده‌ی شخصیت او، هم‌چون شناسنامه‌ی است که او را به دیگران معرفی می‌کند. گرچه بسیاری از باورهای که در عمق شخصیت ما ریشه دوانیده، خارج از کنترل ما بوده و ناشی از فرهنگ و محیط تعلیم و تربیت روزهای کودکی ماست، اما «تکنولوژی فکر» ثابت کرده است که هر کسی می‌تواند به کمک اجرای یک‌سری تکنیک‌ها و القای فرمان‌هایی به ضمیر ناخودآگاه خود، با عشق و احساس و تلاش و پشتکار، ریشه‌ی باورهای غلط و ویران‌گر را در عمق وجودش بخشکاند و بذر باورهای جدیدی را در مزرعه‌ی اندیشه‌های خود بکارد.

هر کسی می‌تواند خود را تغییر دهد و از پیله‌ای که یک عمر در آن زندگی کرده، پروانه‌وار بیرون آید و از اسارت باورهای منفی و فکری غلط، آزاد و رها شود و به‌این‌ترتیب، مسیر زندگی و سرنوشت خود را عوض کند. در دنیای هر انسان خودآگاه و خودشکوفای، نقاط عطفی وجود دارد؛ نقاطی که از آن‌جا مسیر خود را تغییر داده و بر گذشته‌های ناکام و بی‌سرانجام خود، خط بطلان کشیده و پنجره‌های زندگی‌اش را به روی نورهای طلایی خورشید و فرادهایی نوین، گشوده است.

جهت تهیه‌ی کتاب‌ها و محصولات تکنولوژی فکر

با دفتر مجله تماس بگیرید.

شروع دوره‌ی خودشکوفایی و خودمدیریتی تکنولوژی فکر

از شنبه ۱۵ اردیبهشت به مدت ۵ روز

جهت اطلاعات بیشتر با تلفن ۰۲۲۰۴۳۰۸۱ تماس بگیرید.

تمام دستاوردهای خوب زندگی تو از همین سؤال آغاز می‌شود. تو با این پرسش به دنیایی از خودآگاهی قدم می‌گذاری و آن‌گاه که در پی پاسخ برمی‌آیی، درخواستی یافت که در جهان آفرینش، در این مجموعه‌ی بی‌انتهای که پر از زیباترین آفریده‌هایی است که هر یک دنیایی از شگفتی‌ها در درون دارند، کجا ایستاده‌ای. قبل از آن که بدانی کیستی، درمی‌یابی که از کجا آمده‌ای و ارتباط تو با خدای رحمان چگونه است و چه رشته‌ای تو را به او پیوند می‌دهد و در بزم دل‌انگیز هستی، از دست کدامین شاهد، جام برمی‌گیری.

به‌این ترتیب، درخواستی یافت که تو در میان هرآن‌چه از ازل آفریده شده است، از چه کرامتی برخورداری. تو در آینه‌ی آفرینش، به‌روشنی تاج جواهری که بر فراز سرت می‌درخشد، فرشته‌ها را در پیش پایت به سجود و هستی را در برابرت به رکوع می‌بینی. روح خدا در جان تو و امانت او در دست توست. هر اندازه که کرامت و برتری خود را باور کنی و هر اندازه که این اوج و رفعت، این شکوه و عظمت، در وجودت متجلی شود؛ هویت بی‌نظیر خود را بهتر و عالی‌تر شکل خواهی داد و به ارزش‌ها و ایده‌هایی سرمی‌سپاری که بیش از پیش، جایگاه تو را در عالم هستی به‌عنوان نماینده‌ی خدا و صاحب مأموریت او تثبیت می‌کنند. رفتار و کردار و پندار تو، همه و همه، تحت‌تأثیر باورهایی که از خود داری، شکل می‌گیرند و مجموعه‌ی باورهای توست که پایه و اساس خودشناسی و درنهایت، خداشناسی را تشکیل می‌دهند. وقتی بدانی چه موهبت‌هایی در اختیار داری که در تمام کائنات فقط و فقط این موهبت‌ها به تو هدیه شده است و در اولین روز تولد، همراه با هدیه‌ای بی‌نظیر به نام «زندگی»، به تو تقدیم شده است، درخواستی یافت که گنج وجودت را چگونه خرج کنی تا خدای رحمان که هنگام آفرینش تو، بر خود، آفرین گفت، همواره به وجود تو بالاد و برآن‌چه آفرید، افتخار کند.

هر کس به اندازه‌ای که خود را باور کرده و به خود ایمان آورده، ارزشمند است. گاه در فرازونشیب‌های زندگی به شرایطی برمی‌خوریم که ایمان به خویش را از دست می‌دهیم و زنجیرهای از خودبیگانگی و تعلق، بال پروازمان را می‌بندد و راکد و متوقف می‌شویم و این‌جا تنها عاملی که سبب می‌شود به خود رجوع کنیم و به خویش‌تن خویش دوباره ایمان بیاوریم تا گرفتار روزمرگی نشویم، «خودآگاهی» است که اشراف و بصیرت لحظه‌به‌لحظه نسبت به خود را می‌آفریند.

«خودآگاهی» است که در هیاهوی زندگی، ما را به خود می‌خواند و آن‌چه را که هستیم و باید باشیم، یادآوری کرده و در گوش جان‌مان زمزمه می‌کند. خودآگاهی، مقدمه‌ی خودشناسی است، زیرا خودآگاهی است که هر لحظه به تو می‌گوید این‌جا، جای تو نیست؛ این‌کار، در شأن تو نیست؛ این سخن، برانده‌ی تو نیست و... آگاهی، نردبان صعود انسان به اوج قله‌های خودشناسی است. کسی

